

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۴

تحلیل و نقد حقوق بشر در اندیشه مجتهد شبستری

۳۷

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

محمد کمالی گوکی و همکار
تحلیل و نقد حقوق بشر در اندیشه مجتهد شبستری

محمد کمالی گوکی^{۱*}

منصور میراحمدی^۲

۱. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، تهران، ایران.

۲. استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهران، ایران.

چکیده

حقوق بشر یا به تعبیری حقوق بنیادین انسان‌ها که از بنیادی‌ترین مباحث سده حاضر محسوب می‌شود، ابتدا به لحاظ نظری در غرب مطرح شد و در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی در این زمینه تدوین شد. اما پس از آن واکنش‌هایی از سوی فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف به آن صورت گرفت و هر کدام دیدگاه‌های خود را نسبت به این مقوله بیان کردند. در ایران نیز با حاکم بودن نگاه اسلام شیعی سه دیدگاه نسبت به آن شکل گرفت که ما در این تحقیق، دیدگاه مجتهد شبستری را به دلیل خاص بودن بررسی می‌کنیم. سؤال اصلی که این تحقیق به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که نگاه محمد مجتهد شبستری نسبت به حقوق بشر چگونه است؟ و فرضیه‌ای که این تحقیق مطرح می‌کند این است که مجتهد شبستری نگاهی تجددگرایانه به حقوق بشر دارد لذا او ضمن نقد حقوق بشر متافیزیکی که آن را غیر کاربردی می‌داند؛ معتقد است که مسلمانان باید حقوق بشر غربی را بپذیرند چرا که واقعی‌تر، کاربردی‌تر و گستره جهانی دارد. روشی که این تحقیق به کار می‌گیرد توصیفی-تحلیلی است که اندیشه حقوق بشری شبستری را واکاوی می‌کند و تحلیلی بر درست یا نادرست بودن اندیشه آن مطرح می‌کند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، مجتهد شبستری، اسلام، غرب، تجددگرایی.

در این تحقیق درصدد این هستیم که مفهوم و جایگاه حقوق بشر را در نگاه محمد مجتهد شبستری بررسی کنیم. اما قبل از بررسی این مفهوم در اندیشه شبستری که یکی از مفاهیم کلیدی در تفکر اوست، باید جایگاه اندیشه او را در میان متفکران ایرانی بررسی کنیم. در واقع بعد از گسترش مفهوم حقوق بشر در غرب، دیدگاه‌هایی نسبت به آن شکل گرفت که می‌توان آن‌ها را به سه دسته‌ی نفی، تعدیل و اثبات حقوق بشر غربی تقسیم کرد. به این معنی که دسته‌ای به نفی مفاهیم حقوق بشر غربی پرداخته و اجرای آن‌ها را باعث زدودن دین و اخلاق از پیکره جامعه دانسته و هیچ وجه مشترکی بین این اصول و اسلام قائل نیستند. از پیشروان این اندیشه شیخ فضل‌الله نوری است که نظریاتی در باب آزادی، مساوات، برابری، حقوق سیاسی و مشارکت مردم دارد که با مباحث حقوق بشر غربی مغایر است نظریات آخوند ملا قربانعلی زنجانی، حاج ملا محمدخامی و... نیز در این دسته قرار می‌گیرند.^۱ در موضع تعدیل اندیشمندان سعی دارند در مواجهه با مفاهیم حقوق بشر غربی، با مبنا قرار دادن شریعت آن مفاهیم را تا حد ممکن تعدیل و با شریعت اسلام تطبیق دهند. این دیدگاه که شامل طیف گسترده‌ای از فقها- از آیت‌الله نائینی تا علامه جعفری- را شامل می‌شود؛ سعی دارد مفاهیم حقوق بشری را در زمینه^۲ اسلام و شریعت اسلامی بررسی کند.^۳ در موضع اثبات اعتقاد بر این است که مفاهیم حقوق بشر غربی مغایرتی با احکام اسلام ندارند بلکه با پاره‌ای از فتوهای مشهور مغایر است که باید در این فتواها تجدید نظر کرد. محمد مجتهد شبستری از نواندیشان دینی معتقد به این دیدگاه است. به عبارت دیگر دیدگاه اول را می‌توان سنت‌گرا، دیدگاه دوم را نوگرا و دیدگاه سوم را تجددگرا نامید.

مجتهد شبستری که متولد ۱۳۱۵ در شبستر آذربایجان می‌باشد از سن ۱۵ سالگی به تحصیل فلسفه و کلام اسلامی به مدت ۱۸ سال در حوزه می‌پردازد و پس از آن به دعوت آیت‌الله بهشتی سرپرستی مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان را برعهده می‌گیرد و در آنجا با فلسفه جدید الهیات مسیحی و علم هرمنوتیک آشنا می‌شود. او پس از انقلاب به تدریس در دانشکده الهیات دانشگاه تهران مشغول می‌شود و کتاب‌هایی چون ایمان و آزادی، نقدی بر قرائت رسمی از دین، هرمنوتیک کتاب و سنت و... را به رشته تحریر در می‌آورد و در کنار این سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایی در مورد دین و سنت دارد که واکنش‌هایی را برمی‌انگیزد. با انتشار مجموعه مقالاتی با عنوان قرائت نبوی از جهان در سال ۱۳۸۶ شیستری به صورت رسمی در گروه تجددگرایان قرار گرفت؛ چرا که او

در این مقالات تأکید می‌کند که قرآن کلام نبوی است و پیامبر وحی الهی را با توجه به تفسیری که از جهان داشته ارائه کرده است. در این تحقیق که در صدد شرح اندیشه حقوق بشری شبستری هستیم در ابتدا تعریف شبستری از حقوق بشر را بیان می‌کنیم، سپس این مفهوم را از سه بعد دین‌شناسی، سنت‌شناسی و آینده‌پژوهی مورد بررسی قرار می‌دهیم.^۴ تا این مقوله در اندیشه او واکاوی شود و در نهایت به نقد و بررسی این دیدگاه خواهیم پرداخت.

تعریف شبستری از حقوق بشر

مجتهد شبستری، حقوق بشر را اصول و قواعد منظمی می‌داند برای به سامان کردن رابطه‌ی افراد هر جامعه با یکدیگر و با دولت‌ها و روابط ملت‌ها در صحنه‌ی بین‌المللی با یکدیگر، لذا او حقوق بشر را معیار نخستین و اصلی برای تنظیم رابطه اجتماعی انسان‌ها و ملت‌ها با یکدیگر در جهان می‌داند و بیان می‌کند که سخن گفتن از حقوق بشر مقدم بر این مطلب است که انسان‌ها تابع کدام فرهنگ و یا دین هستند، چه نژاد یا ملیتی دارند، در شرق عالم زندگی می‌کنند و یا در غرب عالم. او فلسفه وجودی حقوق بشر در دنیای امروز را به این جهت می‌داند که به ستمگری‌ها، خصومت‌ها، جنگ‌ها و خونریزی‌ها که در طول تاریخ بشر به عنوان‌های مختلف و تحت نام دین، نژاد، ملیت و هر عنوان دیگری واقع شده به طور نسبی پایان دهد (شبستری، ۱۳۷۹: ۱۹۹-۲۰۰) شبستری در نقد دیدگاه‌هایی که در مورد حقوق بشر در ایران هست، می‌گوید: «متأسفانه حقوق بشر در ایران با یک پیش‌داوری منفی همراه است، عده‌ای می‌گویند حقوق بشر یک تحفه غربی است و ریشه سکولاریستی دارد و اهل دین و دیانت باید با آن مخالفت کنند. در حالی که اصول اعلامیه حقوق بشر غربی بر سه اصل کلی آزادی، مساوات و مشارکت در ساخت زندگی سیاسی انسان استوار است که جزو اصول پذیرفته شده همگانی است» (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۰۱) نقدی که در اینجا به نظر شبستری می‌توان گرفت این است که درست است این سه اصل جزو اصول پذیرفته شده همگانی است اما برداشته‌ها از این سه مقوله متفاوت است و همین موجب اختلاف‌ها می‌شود.

شبستری هم‌چنین در نقد حقوق بشر متافیزیکی^۵ می‌گوید: «اینکه عده‌ای در اتاق‌های در بسته بنشینند و با الهام از اصول فلسفی و یا اخلاقی مجرد و بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی حقوق و یا قانون معین کنند فقط به درد همان اتاق‌های در بسته می‌خورد و هیچ مشکل اجتماعی را حل نمی‌کند و هیچ صاحب‌حقی را به حق‌اش

نمی‌رساند؛ حقوق و قوانین اگر می‌خواهند، شکست‌ناپذیر باشند باید دردی را درمان کنند و از یک طرف متکی به مبانی انسان‌شناسانه اخلاقی و فلسفی باشند و از طرف دیگر راه حلی برای مشکلات موجود سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و... باشند» (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۰۳) شبستری به طور صریح بیان می‌کند مواد سی‌گانه‌ی حقوق بشر غربی که در سال ۱۹۴۸ به تصویب سازمان ملل رسید به عنوان راه‌حل واقعی برای مشکلات امروزی می‌باشد (شبستری، ۱۳۸۴: ۱۸۱) او در تشریح واژه حق در اعلامیه حقوق بشر غربی بیان می‌دارد که حقوق بشر سه پایه دارد. نخست دارنده آن حق، که مردم‌اند، دوم مخاطبان آن حق، که دولت‌ها هستند و سوم موضوع حق مثل آزادی بیان می‌شود. حال اگر یکی از این سه پایه وجود نداشته باشد، حقوق بشر نقض می‌شود (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۲۲)

شبستری در تکمیل بحث حقوق بشر تأکید می‌کند که در عصر ما بحث از حقوق بشر، بحث از بنیادهای اساسی زندگی اجتماعی است این بحث به فرهنگ معینی اختصاص ندارد و از دو منظر یک بحث جهانی است. اولاً از این رو که می‌خواهد حقوق انسان را از آن نظر که انسان هستند در متن تاریخ و جامعه معین کند و ثانیاً از این منظر جهانی است که می‌خواهد حقوقی را معین سازد که قابلیت وفاق نسبی در سرتاسر جهان را داشته باشد و بتوان نهادینه شدن آن را در تمام جهان درخواست کرد به طوری که همه‌ی ستمدیده‌های جهان بتوانند در همه جا به آن استناد کنند و همه‌ی دولت‌ها را به رعایت آن موظف کرد. او معتقد است آنچه امروزه حقوق جهانی بشر نامیده می‌شود، می‌تواند صلح را به دنبال آورد. این حقوق برخاسته از هزاران سال تجربه‌ی تلخ خون‌ریزی و ستمگری در جامعه‌های انسانی است و همین حقوق بشر غیردینی و اخلاقی است که در عصر حاضر تنها تکیه‌گاهی که می‌توان با استناد به آن همه‌ی مردم روی زمین را با همه‌ی فرهنگ‌ها و ادیان به مخالفت با ستم، تبعیض و تجاوز به حقوق انسانی دعوت کرد و این آن امتیازی است که حقوق بشر غربی بر حقوق بشر متافیزیکی دارد. (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۲۸) او در جایی دیگر در تأکید بر حقوق بشر غربی و نقد حقوق بشر متافیزیکی می‌گوید: «اندیشمندان ما می‌گویند حقوق بشر معاصر محصول فرهنگ غربی است و به درد شرق نمی‌خورد آن‌ها در این ارتباط به تفاوت فرهنگ شرق و غرب استناد می‌کنند و بر این اساس از حقوق بشر فرهنگ‌های مختلف و یا حقوق بشر و یا حقوق بشر اسلامی نام می‌برند. در حالی که این دعوی درست نیست و حقوق بشر ملازم مدرنیته است نه فرهنگ غرب و هر جا مدرنیته آمده باشد حقوق بشر هم مطرح می‌شود. مضمون و اصول کلی حقوق بشر در همه فرهنگ‌ها مطلوب و مؤثر است» (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۲۹)

حال برای روشن شدن جایگاه حقوق بشر در اندیشه شبستری نگاه او را به سه مقوله دین (منظور کتاب و نصوص دینی است)، سنت (منظور نگاه به تفکر گذشته و سنتی) و آینده (منظور پیشنهاد و راهکارش برای رفع مشکل و ترسیم طرحی برای آینده) شرح می‌دهیم.

نگاه دین‌شناسانه مجتهد شبستری به حقوق بشر

شبستری مانند سایر تجددگرایان، دیدگاه خاصی نسبت به نصوص دینی (کتاب و سنت) دارد. او در کتاب «قرائت نبوی از جهان»، در نقد فقیهان نص‌گرا می‌گوید: «... فقیهان نص‌گرا معتقدند که تمام احکام جزایی یا احکام ارث و خانواده و... که در قرآن آمده است باید بدون هیچ کم و کاستی در جامعه امروز مسلمانان نیز اجرا شود، که این در واقع قرآن را نامفهوم می‌سازد... فقیه نص‌گرا که می‌گوید احکام موجود در قرآن همیشه باید اجرا شوند از این نکته اساسی غفلت می‌کنند که در عصر حاضر شرایط تاریخی زندگی مسلمانان عوض شده و آیات مربوط به آن احکام برای مسلمانان این عصر دیگر معنی نمی‌دهد.» (شبستری، ۱۳۸۷: ۴۷) شبستری در جای دیگر می‌گوید آن‌طور که تمام شواهد نشان می‌دهد، پیامبر این دعوی را نداشتند که آیات قرآن همان‌طور که اکنون در مصحف شریف دیده می‌شود با لفظ و معنی از سوی خدا می‌رسد و او آن‌ها را صرفاً بر مردم می‌خواند. بلکه هم لفظ و هم معنی از خود او بود گرچه او خدا را معلم خود می‌داند. بنابراین شبستری قرآن را کلام نبوی می‌داند. (شبستری، ۱۳۷۹: ۶) شبستری با بیان آیات متعددی از قرآن کریم، می‌گوید: «از شیوه بیان این آیات مشخص است که این آیات تفسیری هستند و پیامبر پیام الهی را با توجه به فهم انسانی تفسیر می‌کند.» (شبستری، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۵) بر اساس این دیدگاه تمام آموزه‌های دینی هم زمان‌مند و هم تاریخ‌مندند و هر موضوعی را در زمینه خود باید بررسی کرد. از نظر او استفاده از فلسفه زبان و هرمنوتیک جدید نه تنها از منظر اعتقادی مانعی ندارد بلکه راهی جز این نیست. (شبستری، ۱۳۷۹: ۸)

از نظر شبستری برای متفکر مسلمان معاصر، مانند هر معتقد دیگر به خدا، مسأله اصلی و اساسی در عصر حاضر مسأله خداست، نبوت و وحی در قرآن طریقت دارند، نه موضوعیت. این‌ها برای طرح توحید بوده‌اند و نقش دیگری نداشتند. از نظر قرآن نبی یک مشارکت‌کننده بزرگ در قرائت توحیدی از جهان است. که انبیای پیشین مؤسس آن بودند. اگر بخواهیم داوری کلامی بکنیم باید بگوییم معنای مسلمانی در عصر حاضر

جز این مشارکت در قرائت توحیدی چیز دیگری نمی‌تواند باشد. شبستری می‌گوید بر مبنای این نگرش، مسلمانان می‌توانند حقوق بشر و دموکراسی عصر حاضر را در فرهنگ خود جذب کنند. بدون آن که بیهوده بکوشد از کتاب و سنت، حقوق بشر دست و پا شکسته‌ای بیرون بکشد که شیر بی‌یال و دم است که اصلی جز ماندن در استبداد دینی و غیردینی ندارد و تجربه این را ثابت کرده است (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۰). شبستری با مطرح کردن این گزاره که «امروزه می‌توان از متن قرآن تفسیرهای جدید ارائه کرد بدون آن که پای فهم دینی در میان باشد» (شبستری، ۱۳۷۹: ۶۲) به نقد اندیشمندان متافیزیکی در حوزه دین می‌پردازد. او می‌گوید امروزه بسیاری از فلاسفه و مردم جهان نمی‌توانند متافیزیکی فکر کنند. در بسیاری از جوامع اخلاق و حقوق مفهوم متافیزیکی خود را از دست داده و فرهنگ عمومی این جوامع غیردینی شده است حال سؤالی که در اینجا باید از اندیشمندان متافیزیکی پرسید این است که شما این بخش از مردم جهان، فلاسفه و سیاستمداران را چگونه دعوت می‌کنید که حقوق بشر متافیزیکی مورد نظر شما را بپذیرند و آن را پایه نظام اجتماعی و سیاسی بین‌المللی قرار دهند. (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۴۱). او هم‌چنین در نقد این نظر آیت‌الله جوادی‌آملی که می‌گوید: «این تنها خداوند است که می‌تواند به ما بگوید حقوق بشر مبتنی بر ماهیت و واقعیت فطری و طبیعی و روح مجرد انسان چیست، پس حقوق بشر را باید از متون دینی گرفت»، می‌گوید اولاً در استنباط از کتاب و سنت کدام قرائت از متون دینی را باید بپذیریم و ثانیاً قرآن و سنت زمانی می‌تواند در قاموس حقوقی «منبع» باشند که نزد همه‌ی مردم جهان، صرف‌نظر از اختلافشان در آداب و رسوم، نژاد، رنگ و... پذیرفته شده باشد. (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۳۵). شبستری با اعتقاد به این اصل که چیزی به نام امور ثابت و متغیر وجود ندارد و دین امر ثابت است و متغیرها جزو دین نیستند، حقوق بشر را جز متغیرها می‌داند که با توجه به شرایط زمانی تغییر می‌کند. شبستری در جایی دیگر از کتاب نقدی بر قرائت رسمی از دین در تثبیت مدعای خود و حمایت از حقوق بشر غربی بیان می‌دارد که کتاب و سنت درباره آزادی دینی و سیاسی معاصر ساکت هستند و دلیل آن را در شرایط اجتماعی آن زمان عربستان می‌داند که نه آزادی دینی و نه آزادی سیاسی مطرح بود و پیامبر در این شرایط به کار تبلیغ دین خود پرداخت. با بیان این مطالب تاریخ‌مندی اندیشه مجتهد شبستری نمایان می‌شود.

بر اساس مطالبی که در حوزه‌ی دین‌شناسی شبستری در مورد حقوق بشر مطرح شد. می‌توان گفت که از آن رو که شبستری آیات قرآن را کلام نبوی می‌داند بنابراین تفسیر دگماتیک کردن از آن را غیرعقلانه می‌داند و بیان می‌دارد که قرآن یک متن همگان فهم

است و تفسیر غیردگماتیک نه تنها صدمه‌ای به پیام دینی این کتاب نمی‌زند بلکه راه را باز می‌کند تا پیام دینی آن معقول‌تر باز یافته شود (شبستری، ۱۳۸۷: ۳۳) او هم‌چنین در نقد اندیشمندان معتقد به حقوق بشر متافیزیکی در حوزه دین‌شناسی می‌گوید: «آنان گاهی می‌گویند همه‌ی احکامی که در قرآن آمده است از قطعیات اسلام است. در این تعبیر مسامحه‌ی لغزش‌آوری وجود دارد. باید میان دو مطلب فرق گذاشت یک مطلب این است که در قرآن احکامی بیان شده است و مطلب دیگر این پرسش است که آیا آن احکام امروز هم برای مسلمانان التزام شرعی دارد؟ مثلاً اینکه در قرآن حکم قصاص وجود دارد جای هیچ تردیدی نیست اما اگر یک صاحب‌نظری یک استدلال متفن بیاورد و مدعی شود که التزام به قصاص در قرآن از باب محدود ساختن انتقام‌کشی‌های اعراب در آن عصر بوده و نه از باب تعیین مجازات ابدی برای جرم قتل، حکم شرعی قصاص به زیر سؤال می‌رود...»

بنابراین با توجه به این استدلالات، در نگاه دین‌شناسانه مجتهد شبستری به حقوق بشر می‌توان نتیجه گرفت که او تمام آموزه‌های دینی را زمان‌مند و تاریخ‌مند می‌داند. پس حقوق بشر را باید با توجه به شرایط کنونی تفسیر کرد نه از طریق آیات قرآن و احادیث. چرا که «حقوق بشر مدون معاصر هم یک محتوای غیردینی (نه ضددینی) دارد و هم از ویژگی دوران مدرنیته می‌باشد. غیردینی بودن از آن روست که تعیین معنای انسان بودن به خود انسان واگذار شده است... حقوق بشر مرجع نهایی تشخیص عقل و وجدان خود آدمی است.» (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۲۷)

نگاه سنت‌شناسانه مجتهد شبستری نسبت به حقوق بشر

شبستری مانند سایر تجددگرایان معتقد است آموزه‌های دینی در تاریخ جریان پیدا نمی‌کند. بررسی هر پدیده‌ای بستگی به شرایط زمانی خود دارد. لذا تدوین حقوق بشر اقدامی ناشی از ضرورت تاریخی به منظور محدود ساختن جنگ‌ها و خونریزی‌ها بوده است نه ناشی از یک سلسله مباحث انسان‌شناسانه فلسفی و دینی. او هدف از تدوین اعلامیه حقوق بشر را توافق بر سر مسائل دینی مرتبط با انسان نمی‌داند و این نظر رنه کاسن را تأیید می‌کند که می‌گوید: «حقوق بشر در ارتباط انسان با انسان معنا دارد نه در ارتباط انسان با خدا» (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۲۶) شبستری در نقد کتاب «فلسفه حقوق بشر» آیت‌الله جوادی‌آملی که حقوق بشر غربی را براساس آداب و سنن می‌داند، می‌گوید: حتی با یک مرور بر دیباچه این اعلامیه می‌توان فهمید که چنین نیست. آن تصریح می‌کند که

حقوق بشر بر اساس آداب و سنن نیست بلکه ناشی از سیره عقلی تدوین‌کنندگان این اعلامیه آن هم با تأکید بر کرامت و حرمت ذاتی انسان که یک اصل انسانی و اخلاقی است و نه دینی، ایجاد کرده‌اند.

یکی از گزاره‌های سنت‌شناسی تجددگرایان این است که هیچ معرفت دینی غیرمتأثر از پیش‌داوری‌ها و پیش‌فرض‌ها نیست و در تفسیر به آن چیزی می‌رسیم که از قبل تعیین کرده‌ایم. شبستری بر این امر تأکید دارد و می‌گوید: نمی‌توان به یک فهم و یک گونه تفسیر محدود شد و هیچ زمان نمی‌توان ادعا کرد که فهمی که تاکنون از کتاب و سنت داده شده فهم نهایی و یا تنها فهم ممکن است بلکه فهم و تفسیر هیچ متن دینی و بازسازی هیچ حادثه تاریخی، بدون پیش‌فهم‌ها، پیش‌فرض‌ها و انتظارات ممکن نیست. (شبستری، هرمنوتیک کتاب و سنت: ۲۸۶) بنابراین از دیدگاه شبستری هیچ قرائتی «قطعی‌الانطباق» نیست و همواره پیدایش قرائت‌های جدید محتمل است و منطقی‌تر برای هیچ قرائتی مانعی وجود ندارد. لذا بیان این مطلب که تنها قرائت از حقوق بشر همان قرائت متافیزیکی است خود نه تنها موجب صلح نمی‌شود بلکه زمینه نزاع و مشاجره را فراهم می‌کند.

شبستری در جای دیگر می‌گوید حقوق بشر فرآورده عقل بشری است که در گذر زمان پدیدار می‌شوند و رو به بسط است و نمی‌توان سراغ آن را در کتاب و سنت گرفت. او معتقد به تفکیک ارزش‌های بالذات و بالعرض می‌باشد و در این راستا بیان می‌کند که رسالت پیامبر مانند هر رسالت دیگری دارای یک رشته مقاصد و ارزش‌های نهایی که ذاتیات نام دارند، می‌شود و یک رشته مقاصد فرعی که وسیله تحقق ذاتیات بودند، می‌شود. مقاصد و ارزش‌های فرعی با توجه به شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. بر این اساس باید بپذیریم که بسیاری از احکامی که در قرآن و احادیث آمده احکامی هستند که به مقاصد و ارزش‌های درجه دوم و بالعرض مربوط می‌شوند. مقوله حقوق بشر نیز از جمله مقاصد و ارزش‌های درجه دوم است که وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد درجه اول است. مسأله آزادی که در اعلامیه حقوق بشر هم آمده به این معنی نیست که هر کس آزاد است که هر دینی را بپذیرد بلکه به این معنی است که هر کس با هر دینی از حقوق انسانی برخوردار است. بنابراین مسأله آزادی که در اعلامیه حقوق بشر آمده است مقوله‌ای عرضی است نه ذاتی. که ضرورتاً آنچه که در اسلام آمده است باید رعایت شود. از طرف دیگر آزادی درونی انسان می‌باید با آزادی بیرونی او همراه باشد زیرا نمی‌توان از بیرون مردم را وادار کرد که در درون خود عزم، اقبال به خدا کنند. همه‌ی عقاید جزمی دین، که تعیین می‌کند مردم باید به چه چیزی اعتقاد داشته باشند

نه تنها منزلگاه مناسبی برای رسیدن به ایمان واقعی نیست بلکه مانعی بر سر راه تعامل ایمان بشری است. به محض اینکه یک گروهی دارای نفوذ سیاسی شد، مدعی می‌شود توان تمیز میان حق و باطل مذهبی را انحصاراً در اختیار دارد و در نتیجه قرائت رسمی از دین ارائه می‌کند (روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۶) لذا ضرورت دارد از این معرفت دینی مسلط رهایی یابیم. یکی دیگر از گزاره‌های سنت‌شناسانه تجددگرایان، ضرورت رهایی از معرفت دینی گذشتگان و ایجاد یک معرفت جدید است. شبستری هم بر این اساس می‌گوید: در احکامی که در قرآن آمده می‌توان با توجه به شرایط زمانی تصرف کرد، او با آوردن مصادیقی می‌گوید که در جمهوری اسلامی چنین کاری عملاً انجام می‌شود. او فلسفه وجودی مجمع تشخیص مصلحت نظام را همین می‌داند که با توجه به شرایط زمانی برخی احکام فقهی را کنار می‌گذارد و یا دستور رئیس قوه قضائیه که خود در مقام یک فقیه است مبنی بر عدم رجم و اعدام جوانان زیر ۱۸ سال، مصداقی دیگر از تغییر احکام فقهی با توجه به شرایط زمانی است (مصاحبه با رادیو زمانه، آذر ۱۳۸۷). او با توجه به این مصادیق می‌گوید باید از بند حقوق بشر متافیزیکی که دیدی دگماتیک و متعصبانه دارد رهایی یافت. اما راه رهایی چیست؟ که پاسخ آن در آینده‌شناسی شبستری است.

آینده‌شناسی شبستری در زمینه حقوق بشر

شبستری با نقد بر حقوق بشر متافیزیکی، توصیه می‌کند که مسلمانان باید حقوق بشر غربی را بپذیرند. او به صراحت اعلام می‌کند که طرح حقوق بشر متافیزیکی به جای حقوق بشر غربی، در جهان امروز نه تنها هیچ دردی را دوا نمی‌کند بلکه اصرار به آن به نقض هدف‌های حقوق بشر می‌انجامد. (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۵۶) شبستری با نقد قرائت رسمی از دین یا قرائت فقهاتی - حکومتی، به زعم خود به قرائت انسانی از دین می‌رسد که دقیقاً در نقطه مقابل قرائت رسمی از دین قرار دارد. در قرائت انسانی از دین آزادی عمل انسان در درجه نخست اهمیت قرار می‌گیرد. بنابراین شبستری با هر نوع ایمانی که فارغ از آزادی آدمی باشد که او آن را قرائت غیرانسانی از دین می‌داند، مخالف است و همواره انسان را در محور مباحث خود قرار می‌دهد. البته او در کتاب «ایمان و آزادی» بیان می‌کند که تأکید زیادش بر انسان به این معنا نیست که این مبحث اومانستی است بلکه فلسفی و کلامی است. (شبستری، ۱۳۸۰: ۳۰)

با توجه به این مباحث شبستری ادعا می‌کند که مؤمنانه زیستن در جهان معاصر اقتضا می‌کند مسلمانان حقوق بشر غربی را مبنای نظام‌های اجتماعی خود قرار دهند. چرا که در

جامعه‌های معاصر استوار ساختن نظام اجتماعی بر پایه حقوق بشر تنها راه تأمین عدالت، خدمت و محبت به انسان‌ها و بهترین روش تسهیل ایمان‌ورزی و تعلق افراد جامعه به اخلاق انسانی است. (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۸۰) بنابراین شبستری پیش زمینه پذیرش حقوق بشر غربی را داشتن ایمان می‌داند، چرا که ایمان با آزادی پیوند دارد و ایمان بدون آزادی اندیشه و اراده غیرقابل بحث است. پس داشتن ایمان در جوامع دموکراتیک سهل‌تر است چرا که زور آفت ایمان است نه مقوم آن. در جوامع زورمدار ایمان جایی ندارد زور همیشه خودمدار و خودبنیاد است. همان‌طور که عقل و ایمان خودمدار است، زور فقط با زور کنترل می‌شود و با عقل، ایمان و منطق رابطه‌ای ندارد. زور هر کجا به صورت نهاد درآید می‌خواهد همه چیز را به رنگ خود درآورد و همه چیز را مسخ کند. بنابراین جامعه زورمدار نامطلوب‌ترین جامعه برای مؤمنان است

بر این اساس مقتضای مسلمانی، یک مسلمان در عصر حاضر، اجتناب از تأسیس رژیم‌های اقتدارگرا و پذیرفتن جدی حقوق بشر معاصر و دموکراسی است که از واقعیت‌های تاریخی عصر ماست. در جوامع جدید مسلمانان، همانند دیگر جوامع جدید جهان، پذیرفتن آن حقوق تنها روش درست تنظیم مناسبات انسانی در عصر مدرنیته بر مبنای اخلاق و عدالت است. تنها از راه تأسیس نظام‌های مبتنی بر حقوق بشر است که مسلمانان می‌توانند در عصر حاضر به اسلام، ایمان، عدالت، اخلاق وفادار بمانند. (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۸۰-۲۹۷) پس پذیرش حقوق بشر غربی مستلزم تأسیس نظام دموکراتیک است و این عمل در واقع پذیرش یک روش است و هیچ تعارضی با دین و دین‌داری ندارد و هرگز بدعت محسوب نمی‌شود. کما اینکه پیامبر به هنگام بعثت بسیاری از نهادهای حقوقی و عرفی موجود را در همان هویت عرفی و غیردینی آن‌ها پذیرفت و حتی به آن‌ها مثل برخی عقود، هویت دینی ندادند (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۱۹)

بنابراین شبستری در بحث آینده‌شناسی، مطرح می‌کند که مسلمانان باید حقوق بشر غربی را بپذیرند و برای پذیرفتن آن پیش شرط‌اش ایجاد نظام دموکراتیک است چرا که در نظام دموکراتیک نسبت به نظام اقتدارگرا حقوق راحت‌تر اجرا می‌شوند و همچنین آزادی‌های سیاسی و دینی بهتر رعایت می‌شوند. با توجه به این مطالب به نظر می‌رسد مجتهد شبستری حکومت‌های دموکراتیک غربی را بر حکومت دینی ترجیح می‌دهد چرا که به جای توجه به یک قرائت به قرائت‌های متعدد توجه می‌شود و آزادی‌های بیشتری داده می‌شود.

نتیجه گیری

در یک جمع‌بندی از اندیشه حقوق بشری شبستری می‌توان گفت که شبستری به مسلمانان و کشورهای اسلامی توصیه می‌کند که به جای فلسفه‌چینی و ایجاد مبنا برای حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر را که حاصل فکر جمعی جوامع برای برون رفت از جنگ و خون‌ریزی است را بپذیرند و ایجاد یک تعبیر دیگر از حقوق بشر خود عامل درگیری‌ها خواهد بود. وقتی به این اندیشه شبستری نگاه نقادانه‌ای می‌افکنیم، در می‌یابیم که این دیدگاه، یک نگاه ساده و مسامحه‌گونه است. پذیرش اعلامیه حقوق بشری غربی به معنای زیر پا گذاشتن مبانی، اصول و ارزش‌های هر اندیشه‌ای است. این مدعا زمانی اثبات می‌شود که حتی خود غربی‌ها بر سر اصول آن اختلاف نظر دارند و حتی اقوام دیگر مانند اکثر کشورهای آفریقایی نیز این اعلامیه را نپذیرفتند و برای خود اعلامیه جداگانه‌ای تعبیه کرده‌اند. به طوری که ایونس متفکر غربی اذعان می‌کند که این مسأله در سطح گسترده‌ای پذیرفته شده است که این حقوق، حقوق لیبرال دمکراتیک هستند و یک گرایش قوی غربی دارند. (Evans, 1997: P126) او هم‌چنین مهم‌ترین عامل عدم توافق بر سر این حقوق، حتی در بین کشورهایی که کنوانسیون حقوق بشر ۱۹۴۸ را تا به حال امضا کرده‌اند را مربوط به گرایش غربی آن می‌داند. (Evans, 1997: P131)

برای حل این مشکل حتی دیوید هلد موضوع دمکراتیک کردن حقوق بشر را مطرح می‌کند و می‌گوید: تنها ابزار ممکن برای برقراری مجموعه‌ای از حقوق جهان‌شمول بشر که مورد پذیرش همه باشد این است که نمایندگان مهم‌ترین دیدگاه‌های مختلف در مورد آن به بحث بنشینند. این امر به معنی پذیرش جدی نسبت فرهنگی تعاریف غربی از حقوق جهان‌شمول بشر است (Held, 1997: P126) حال چگونه با توجه به اذعان متفکران غربی مبنی بر جانبدارانه بودن این اعلامیه، مجتهد شبستری، روشن فکر دینی، به اسلامی که برای کوچکترین مسائل اجتماعی برنامه دارد پیشنهاد می‌کند که آن اعلامیه را بپذیرند. این درست است که اعلامیه بر اساس عقل سلیم انسانی نوشته شده است و هیچ کجای آن بر نقض حقوق ملتی دیگر سخنی نمی‌گوید و این درست است که از الفاظ همه‌پسند مثل آزادی، عدالت، برابری، حق حیات و غیره سخن به میان می‌آورد. اما اولاً بشری که در کوچکترین کارهای خود مانده و نتوانسته راه‌حلی جامع برای آن تبیین کند چگونه می‌تواند برای حقوق بنیادین بشر نسخه‌پیچی کند. برای روشن‌تر شدن بحث مثالی می‌زنیم بشری که نتوانسته برای مسائل ابتدایی بشر مثل فقر، بیکاری، مسکن، آلودگی، نابهنجاری‌ها و بی‌اخلاقی‌های بشری تدبیری بیاندیشد حتی در پیشرفته‌ترین کشورها

که ادعای راسیونالیسم و انسانی‌کردن جهان را دارند، چگونه می‌تواند برای حقوق انسانی که تمامی مشکلات بشری از آن می‌آید نسخه بپیچد؟ آیا برای برطرف کردن این مسائل نباید به فطرت انسان برگشت؟ نباید راهکار این مسأله را از خالق این مخلوق گرفت؟ نباید به تعالیم راهگشای ادیان و پیامبران بازگشت؟ ثانیاً بر اساس همان رویکرد تفسیری، اگر چه مفاهیم^۷ ممکن است یکی باشند اما برداشت‌ها^۸ از آن متعددند^۹. مثلاً اگر چه مفهوم آزادی، برابری و... برای همه یکی است. اما هر کس با توجه به پیش‌فرض‌هایش برداشت‌های مختلفی از این مفاهیم می‌کند. بدون شک مفهوم آزادی در اندیشه اسلامی بسیار متفاوت از اندیشه غربی است. بنابراین چطور شبستری خواستار پذیرش آن از سوی مسلمانان است.

همان‌طوری که شبستری می‌گوید هر اندیشه‌ای مبتنی بر یکسری پیش‌فرض‌هاست و در بررسی هر چیزی به آن چیز که از قبل تعیین کرده‌اند می‌رسند، می‌توان گفت که شبستری در بررسی مقوله حقوق بشر، خود نیز دارای پیش‌فرض‌هایی بود که این پیش‌فرض‌ها او را به چنین نتیجه‌ای می‌رساند. پیش‌فرض‌های او در زمینه حقوق بشر را این‌گونه می‌توان بیان کرد.

۱. نظام حقوقی غرب دارای ضمانت اجرا و کاملاً علمی و قابل دفاع است و به طور متقابل نظام حقوقی اسلام نه قابل دفاع علمی و نه قابل اجراست.

۲. نظام حقوقی لیبرال حافظ حرمت و کرامت انسان در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و ضوابط ویژه‌ای دارد.

۳. حقوق بشر غربی ستم و خونریزی را در غرب و جهان متوقف کرده است حال آنکه حقوق بشر اسلامی نه تنها موجب صلح نیست بلکه زمینه‌های جنگ را فراهم می‌کند.

۴. تدوین نظام حقوق بشر ارتباطی با فهم ماهیت بشر ندارد بنابراین بحث از حقوق بشر مسبوق به مباحث فلسفه، حقوق و متافیزیک نیست و آگاهی از ماهیت انسان برای تعیین حقوق انسان ضروری نیست، جدای از اینکه بر این پیش‌فرض‌ها نقد وجود دارد. چندین نقد دیگر بر این اندیشه می‌توان مطرح کرد.

شبستری در چرایی حمایتش از حقوق بشر غربی سه دلیل مطرح می‌کند. نخست واقعی بودن، دوم گستره جهانی داشتن و سوم کاربردی‌تر بودن. او معتقد است این سه ویژگی در حقوق بشر اسلامی وجود ندارد. نقدهایی که بر این دلایل می‌توان وارد کرد این است که اولاً منظور از کاربردی‌تر است یعنی چه؟ اگر به این معنی است که سازمان ملل می‌تواند با دلیل نقض حقوق بشر در یک کشور بر مبنای این اعلامیه، آن کشور را

تحت فشار قرار دهد تا حقوق بشر را رعایت کند خوب این درست است اما اگر این به این معنی است که حقوق بشر غربی دارای قواعدی است که همه‌ی کشورها آن را پذیرفته‌اند و نتایج خوب در صلح جهانی داشته (که به نظر این منظور است) باید گفت که این اعلامیه ابزاری در دست قدرتمندان جهانی شده است که با بهانه دفاع از حقوق بشر به کشورهای دیگر لشکر کشی کنند که نمونه آن جنگ‌های ویتنام، عراق و افغانستان می‌باشد. بنابراین اگر کاربردی داشته باشند در جهت منفی آن بود. ثالثاً انتقادی که او به حقوق بشر اسلامی می‌گیرد بر خود آن نیز وارد است. او می‌گوید چگونه از غیرمسلمانان انتظار می‌رود که حقوق بشر منبعث از کتاب و سنت که عقیده‌ای به آن ندارند، بپذیرند؟ حال سؤال این است که چگونه مسلمانان حقوق بشر غربی را که برگرفته از اندیشه‌های لیبرال است (همان‌طوری که ایونس می‌گوید) و تفاوت بنیادینی با برخی از اصول اسلامی دارد را بپذیرند. ثالثاً نکته‌ای که در مباحث شبستری نمایان است این است که او بیان می‌کند که «حقوق بشر غربی مورد پذیرش همه است لذا مسلمانان باید آن را بپذیرند» اگر چنین است پس چرا او تلاش می‌کند که مسلمانان را متقاعد به پذیرش آن نکنند. از طرف دیگر در خود اعلامیه حقوق بشر بسیاری از مباحث کلی مطرح شده‌اند که حتی میان خود غربی‌ها هم در مفاهیمی چون آزادی، برابری، عدالت و کرامت انسانی اتفاق نظری وجود ندارد پس چگونه او می‌گوید مورد پذیرش همه است. رابعاً مفاهیم و مبانی که در اعلامیه حقوق بشر از آن به عنوان آرمان مشترک تمام مردم نام می‌برد چه وقت با سایر ملت‌ها به بحث گذاشته شده‌اند تا اجماع جهانی ایجاد شود. در واقع اعلامیه حقوق بشر غربی مبتنی بر اندیشه‌های لیبرال می‌باشد.

از طرف دیگر، شبستری با مباحثی که در کتاب‌هایش مطرح می‌کند، مشخص می‌شود که او به جامعیت قرآن اعتقادی ندارد. چرا که بیان می‌کند احکامی که در قرآن بر آن‌ها تأکید شده مربوط به دوران پیامبر است و حال با توجه به تغییر شرایط اجتماعی غیرقابل اجرا هستند و یا به نظر می‌رسد اندیشه‌های هر مونتیکتی به شدت بر اندیشه او تأثیر گذاشته‌اند چرا که او حتی در مورد نصوص قطعی در قرآن معتقد است می‌توان تفسیرهای دیگری صورت داد چرا که آن یک برداشت از دین است و از سوی دیگر رگه‌هایی از پست مدرنیسم را در اندیشه او می‌بینیم چرا که او همه چیز را به زیر سؤال می‌برد و هیچ پاسخی قطعی به آن‌ها نمی‌دهد. مثلاً او در رد قطعیت احکام در اسلام بیان می‌دارد که «اگرچه حکم قصاص در قرآن آمده است اما ممکن است آن برای محدود کردن انتقام‌کشی‌ها در دوران پیامبر باشد، حال اگر یک مجتهدی بگوید اکنون این حکم ضرورت ندارد و

شرایط تغییر کرده است آن‌گاه مسأله به زیر سؤال می‌رود» این استدلال او از زیربنا مشکل دارد چرا که در اسلام اجتهاد در نصوص قطعی وجود ندارد اما شبستری بیان می‌کند که اگر مجتهدی در این نصوص نظری مخالف داد، این نص به زیر سؤال می‌رود. هم‌چنین به نظر می‌رسد که او در حوزه متافیزیکی نتوانسته میان مفاهیم متافیزیک و اسلام و دین تفاوت قائل شود و بیان می‌دارد چون امروزه اکثر مردم و سیاستمداران متافیزیکی نمی‌اندیشند پس حقوق بشر اسلامی غیرکاربردی است در حالی که حوزه متافیزیکی یک مسأله است و واقعیت‌ها و نصوص دینی مسأله دیگر. در یک شمای کلی می‌توان گفت که در واقع تمام انتقاداتی که او به حقوق بشر اسلامی می‌گیرد را می‌توان با همان دیدگاه هرمنوتیکی او بر حقوق بشر غربی گرفت.



یادداشت‌ها

۱. برای آشنایی با نظریات این دسته می‌توانید به کتاب «اعلامیه‌ها، مکتوبات و روزنامه‌ها: شیخ فضل‌الله» تدوین محمد ترکمان انتشارات رسا مراجعه فرمایید.

2. context

۳. در این زمینه می‌توان به کتاب‌های «فلسفه حقوق بشر» اثر آیت‌الله جوادی‌آملی و کتاب «تحقیق در دو نظام حقوقی جهانی بشر در اسلام و غرب» اثر علامه جعفری اشاره کرد.

۴. توجه به سه مقوله دین، سنت و آینده در تحلیل افکار یک اندیشمند روش خاصی است که دکتر منصور میراحمدی در کلاس «تحلیل افکار و آرای اندیشمندان مسلمان» در دانشگاه شهید بهشتی اتخاذ کرده است. که این با توجه به تقسیم‌بندی که اندیشمندان را به سه دسته سنت‌گرا، نوگرا و تجددگرا صورت گرفته است. لذا نگاه هر اندیشمندی به دین، سنت و آینده جایگاه اندیشه آن را مشخص می‌کند.

۵. منظور حقوق بشر در دیدگاه نوگرایان دینی است که حقوق بشر را نعمتی الهی می‌دانند که کار بشر شناخت آن است، نه امری ساخته دست انسان.

6. The African charter of human and people rights

7. concept

8. conceptions

۹. در این زمینه مک‌کالوم بحث برداشت - مفهوم را مطرح می‌کند که هر مفهومی برداشت‌های متعددی دارد که شرح دقیق آن در کتاب «اسلام و دمکراسی مشورتی» ص ۲۲۰ نوشته دکتر منصور میراحمدی آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کتاب

- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹)، *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول.

-----، ----- (۱۳۷۹)، *هرمنوتیک کتاب و سنت*، تهران: انتشارات آگاه، چاپ چهارم.

-----، ----- (۱۳۸۴)، *ایمان و آزادی*، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ سوم.

-----، ----- (۱۳۸۴)، *تأملاتی بر قرائت انسانی از دین*، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ دوم.

-----، ----- (۱۳۸۷)، *قرائت نبوی از جهان*، تنظیم فرشاد نوروزی، تهران: انجمن احیایان فلسفه نو به نشانی: www.Aboutppilosophy.ir

- Held, D. (1995), *democracy and global order: from the model state of cosmopolitan governance*. Polity press: cambridge.

-Evans.T. (1997) "*democratization and human rights.*" in a. mcgrew. The transformation of democracy: globalization and territorial democracy. Polity perss: Cambridge.

مقالات و مصاحبه‌ها:

- دانشور، فؤاد (آذر ۱۳۸۸)، «حقوق بشر دینی یا برون دینی»، *سایت سراج*.

- چاردولی، آرش (۱۷ مهر ۱۳۸۶)، «زندگی محمد مجتهد شبستری»، *روزنامه اعتماد ملی*،

شماره ۴۸.

- فدایی مهربانی، مهدی (۱۳۸۸)، «بررسی مفهوم اومانیزم در اندیشه سید حسین نصر و محمد مجتهد شبستری»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره نه.

- مرتضوی، خدایار (۱۳۸۸)، «نسبت‌سنجی هرمنوتیک حقوق بشر در نگرش دینی شبستری»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*: سال چهارم، شماره سوم.

- مجتهد شبستری، محمد (آذر ۱۳۶۸)، «دین و عقل»، *مجله کیهان فرهنگی*، شماره‌ی ۵۷.

- مجتهد شبستری، محمد (آذر ۱۳۸۹)، *مسائل اساسی نواندیش دینی در ایران*، مؤسسه‌ی معرفت و پژوهش.

- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۹/۱۲/۱۵)، «امروز خدا هم حقوق بشر می‌خواهد»، *سایت قرائت*.

- مصاحبه با رادیو زمانه در مورد حقوق بشر (آذر ۱۳۸۷).

- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۶/۷/۲۲)، «حقوق بشر یا حقوق خدا»، *پایگاه اطلاع‌رسانی اصلاح*.

- <http://mojtahedshabestari.blogfa.com>

پایان‌نامه:

- امیرور، ابوالفضل (۱۳۸۷)، *هرمنوتیک، نواندیشی دینی و دمکراسی دینی: با تأکید بر آرای سروش و شبستری*، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۵۳

دوفصلنامه مطالعات

حقوق بشر اسلامی

محمد کمالی گوکی و همکار
تحلیل و نقد حقوق بشر در اندیشه مجتهد شبستری

Received Date: 16/04/2016
Accepted Date: 25/07/2016

Analysis and criticism of human rights in mojtahed shabestari thought

Mohamad Kamali Gooki¹
Mansour Mir Ahmadi²

Abstract

Human rights or fundamental human rights in the sense that the present century is the most fundamental issues First, theoretically, in the West and in the 1948 Universal Declaration was drafted in this field. But then the response of the different cultures and religions took And each his own views expressed in this category. In Iran, the ruling Shiite Islam than it took three perspectives In this study we investigated the specificity of view because we Shabestari. The main question of this research is to answer it. This is how it looked Mohammad shabestari human rights? And the assumption that this study suggests that the shabestari at modernizing the human rights. He also criticized the human rights of non-metaphysical, so that it knows that the application of human rights in Western Muslims must accept as realistic, practical and global scope. The way to do this research is to explore analytical thinking and analytical human rights shabestari right or wrong, it suggests the idea.

Keywords: Human right, Mojtahed Shabestari, The Islam, The West, Modernism.

۱۴۹

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

چکیده انگلیسی

1. PhD student of Political Thought in Tarbiat Modarres, Tehran.iran. Email: mkamali77@yahoo.com
2. professor of political science in shahid Beheshti University, Tehran, Iran.